

واله عزیز من،
اسب مخصوص حیوانی دلم پورا ترا کرده، و اینمیدانم؟ چون همیشه بیاد تو هستم و
تخصصی حال آنکه مثل اینکه قصه‌های ذات من به پیش تو دارم و علی بنویسد دایم در عالم خیال تو با تو در
کنش می‌کنم، افسوس که مدت آن حیوانی که ماه خوابه بود، یعنی بیسان توری که ایوم سینه پنج
روز در مسکو ۱۹ روز در لندن گذارد خوابه بود.

Tour 07 - leaves London
June 13, Saturday afternoon from Gatwick airport.

نم حاشی را می‌گویم که اگر تو در ماه July برگردی لندن چند روز پیش تو به نام دلی خانم حیات
ژانته بود که در ماه August برگردی بنابراین من فقط را آنجا خواهیم دید، بیچاره ایوم
واقعاً با من است که من می‌دانم، اینم تو می‌بینی چون اینها می‌توانستیم که از لندن جا رزرو کنیم، هزار
تلفن و کاغذ نوشتن با ایوم پشت کرد و کار مرا درست نمود حسی از او هنوز خوابه بود، با آنکه
پول بلیط را برایش دست دادم بنویسم چه در صدد مطمئن شدنم از آنم قطعی است، اسب خیال دارم

با و تلفن کنم بگویم قصه‌های از چه دار است، در هر حال و اله جان وصف العیض نصف العیض!
حیوانی دارم قبل از تاریخ یاد از لندن می‌گفته‌ام اینم خانم به نام دلی ژانته بود حاشی تنگ است و هی
حیال دارد خانه اسب را محض کند و خانه بزرگ بگذرد و آنور مسعود حسی از اینکه برگردد صوفه Sam
از موس با او در تماس بود و با دگانه بود به بلیط بگذرد با من خانه امرا عرض می‌کنم دلی در هر حال من فقط
دو یا سه روز قبل از حرکت از لندن می‌توانم پیش او بنویسم مانده یعنی حرکت است بار دهم مسیله بر دم
پیش او که یک دور در زنی از اینها ذات دور دور از جنسی در آمیم. شاید در موقع برگشتن
از خانه امرا عرض کرد، نه چند روز پیش او به نام است به ایم بر دم پیش پوران اسپانیا. می‌دانم

عجالتاً چیزی که مطمئن هستم اینستکه بنویسم. بیایم پیش تو. می‌دانم کی این نامه من به تو برسد
چون بنویسم آنرا تو مطمئن داد بنویسم، و اله من بنویس در ماه مسیله پورا مسکو و

لندن گذارد که دست یانه و منم احتیاج به لباس گرم دارم یانه، خیال دارم کت و دامن و برای
با خودم. بیاد دهم کانی است یانه؟ ما از هوا مسافریم Sam دی حسی به ماد است که ام چون حسی
معتدل است و زنگاری حسی سرد نمی‌شود، الا آن بقدر بر او خوب است و در هر جا هم نمون می‌کند

دوره روزانه ^{قبل} بر دم پیش یاسمین - تا ایسا دوست و منم؛ از تبسلی است، زندگی
کس آنست، چاره تو به جا در حتماً بترق کل و مگونه بود، اصلاً بهار بهترین موقع است برای
دیدن San Diego. زندگی من بهانه است که بود گاهی خوشحال و گاهی هم ناراحت، همین است

که هست ، باید این دو روزی که ماند است غنیت بشمارم ، آنقدر ناراحتی که و بد بختی برای
بعضی مردم است که خدا سزاوارند . بیچاره ایران ابلهجان پریش تازه خوت کرده ، گوشت خاکی
که بود ، حینی دارا در احوال است . توران خانم زنده بودند روحیه ای حینی حینی و آب است
در زندگیش اشکالات زیادان دارد . یکی دیگر از دوستان منم اینها حینی رضی است و دارد
گور میگرد ، واقعاً باید خوشی بشم که سلامت هستیم ، امید داریم که به نوع حالش خوب است
و در ناراحتی نماند ، از حال و احوال برام بنویس ، اگر ترجمه میدی که کسطنجه دار برام
نامه مده . لیلی و هستی سلامت و مشغول کارانه ، لیلی چی میخواهد آخر کتال بود
اروپا اگر آن موقع لذت بخش باشی ادرا خواهم داشت . از کتال منم حینی حینی به به بیج سلام بران .
خب والله عزیزم نامه خد خاتم میدیم و نشو نامه تو هستیم

ملیه